

SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com

سایه مقوقِ جهانی بشر بر ایران



رضا علیمانی

شماره مقاله : ۱۰۲۴

تعداد صفحه : ۵

آفرین بررسی : ۸۷/۰۹

تاریخ تمریر : ۱۳۸۶

www.shandel.org

موضوع : گفتگوی کمال مسینی با رضا علیمانی

سایه حقوق جهانی بشر بر ایران

گفتگو با رضا علیجانی را در مورد سایه حقوق جهانی بشر بر ایران، از آن جهت انجام دادم که ایشان از نیروهای ملی و مذهبی و فعال در حوزه مدنی و حقوق بشری هستند. همچنین رضا علیجانی، سردبیر نشریه توقیف شده "ایران فردا" بوده‌اند.

س: از نظر شما موانع اجرای حقوق بشر در ایران چیست؟

ج: پیدایش و ماندگاری هر پدیده اجتماعی (مثلاً حقوق بشر) حاصل برآیند و تلاقی سه مولفه مهم: اندیشه و فرهنگ جامعه، مناسبات و ساختار عینی جامعه (اعم از سیاسی، اقتصادی، حقوقی و...) و شخصیت و اخلاق و رفتار انسان‌های جامعه است. این سه مولفه رابطه‌ای متقابل و ارگانیک و دیالکتیکی دارند و نمی‌توان به طور قطعی یا دائمی یکی را بر دیگری اولویت داد.

بنابراین هم موانع اجرا و هم راهکارهای تحقق حقوق بشر در هر جامعه به این سه عامل (ذهنی، عینی، شخصیتی) برمی‌گردد. موانع اصلی تحقق حقوق بشر در ایران را نیز باید در این حوزه‌ها جستجو کرد. در حوزه عینی و ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... مهم‌ترین مانع شکل‌گیری حقوق بشر در ایران "دولت مطلقه" دیرپای در تاریخ ایران است که در گذشته‌های دور بر اساس مدیریت "آب" در این سرزمین نیمه خشک و تحقق امنیت لازمه آن تکوین یافته است و در دوران متاخر نیز ریشه اصلی دولت مطلقه "نفث" و مدیریت اقتصادی آن و در واقع نیازمندی جامعه به دولت (و نه برعکس) بوده است. البته شرایط جغرافیایی خاص ایران و نقطه ارتباطی مناطق مختلف بودن نیز باعث شده مسأله "امنیت" به خودی خود نیز همواره موضوعی مهم و جدی باشد. نیاز به امنیت در سرزمینی گسترده که مناطق مسکونی‌اش نیز دور و پراکنده از هم بوده، شکل مضاعفی می‌یافته است. دولت مطلقه در دوران جدید (پس از مشروطه) در برابر بسط نهادهای دموکراتیک مقاومت و تلاش کرده ضمن حفظ ظواهر این نهادها (مثل پارلمان، قوه قضاییه و...)، آنها را از درون تهی کند و تحت سلطه خود قرار دهد.

اما در حوزه فکری و ذهنی نیز فرهنگ جامعه ایرانی (در یک ارتباط و گنش متقابل دیالکتیکی با ساختار عینی جامعه) متناسب با حقوق بشر نبوده است. سلطنت و روحانیت، انسان ایرانی را به مرجعی فراتر از خود (شاه یا منابع دینی که روحانیت خود را متولی تفسیر و گاه تحقق آن می دانسته است) دعوت می کرده است. فرهنگ غالب برآمده از این دو نهاد (به جز مواردی استثنایی) مستعد رشد حقوق بشر نیست. حقوق بشر موقعی امکان طرح و رشد و تحقق می یابد که "بشر" به طور مستقل و دارای "حقوق" به رسمیت شناخته شود و اصل و مرجع فرهنگ و سیاست قرار گیرد. این همه بدان معنا نیست که ساختار ذهنی یا عینی جامعه ایرانی عاری از عناصر و مولفه های هم سو با حقوق بشر بوده است. در گذشته نیز "رگه" هایی از به رسمیت شناختن بشر و حقوق وی هم در فرهنگ (مانند برخی از لایه های شعر، عرفان، فرهنگ و اخلاق دینی، نظریه سیاسی و...) و هم در مناسبات عینی جامعه ایرانی (مانند برخی از لایه های پدیده هایی چون خودمختاری، شورا، انجمن های صنفی و...) مشاهده شده است. اما این "رگه" ها (بنا به دلایل تاریخی) هیچ گاه به "چارچوب" غالب و حاکم تبدیل نگردیده است. علاوه بر دو مولفه یاد شده و در ارتباط دیالکتیکی با آن دو، مولفه سوم یعنی روان و شخصیت انسان ایرانی نیز دارای ضعف هایی است که خود می تواند به مانعی برای تحقق حقوق بشر تبدیل شود (مانند قضا و قدری زیستن و نقش قائل نشدن برای خویش، نگاه و رفتار سلسله مراتبی دینی، قومی، جنسیتی و...). البته در این قسمت نیز انسان ایرانی دارای درونمایه های مثبتی (برای تحقق حقوق بشر) است (مانند محبت و نوع دوستی و...) که نمی توان بر آنها نیز چشم پوشید.

س: چه راه کارهایی برای اجرای حقوق بشر در ایران کارساز هستند؟

ج: راه کارهای تحقق حقوق بشر نیز حرکت تدریجی، اما بنیادی، برای اصلاح و تغییر این سه عرصه اساسی است. در این مسیر هم می توان و باید از رگه های مثبتی که در فرهنگ و ساختار عینی جامعه و خصایص فردی انسان ایرانی وجود دارد بهره جست و هم از تجارب فرهنگی، عینی و اخلاقی که در سطح جهان به تحقق و پایایی حقوق بشر یاری رسانده است. در این راستا شاید بتوان برخی از ضروری ترین راه کارها و در واقع پیش نیازهای حقوق بشر برای ایران کنونی را چنین برشمرد:

اصلاح تدریجی فرهنگ ایرانی و بویژه نوزایی دینی جهت بازسازی درون مایه این فرهنگ در جهت حقوق بشر (و دیگر اهداف انسانی همچون عدالت و توسعه و ...). هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند بدون بومی شدن و ریشه در گذشته یک جامعه داشتن به پدیده‌ای غیر قابل بازگشت تبدیل شود.

پذیرش تکثر (پلورالیسم) توسط نخبگان و روشنفکران و فعالان سیاسی و اجتماعی و طبقاتی و قومی و جنسی و ... مخالف دیگری بودن یک حق است، اما نادیده گرفتن موجودیت دیگری به همان شکل که هست (اعم از مذهبی و غیر مذهبی و مستقل از نوع قومیت، زبان، جنسیت و ... که دارد)، مهم‌ترین مانع برای تحقق و بسط حقوق بشر در ایران است.

مقید و غیر مطلقه، محدود، و ادواری کردن همه منابع و مراجع قدرت و اقتدار.

بسط و گسترش دموکراسی فراگیر و همگانی شدن همه منابعی که تولید قدرت و اقتدار می‌کند (در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، جنسیتی، قومی و ... و نه صرفاً سیاسی و پارلمانی).

لزوم بی‌طرفی دولت در برابر همه افکار و اندیشه‌های دینی و ایدئولوژیک و جدایی نهاد دین و حکومت.

اصلاح رفتار و منش خود بزرگ بینانه و خود مرکز بینانه رهبران سیاسی، روشنفکران، فعالان اجتماعی و ... و پذیرش درونی و وجودی "دیگری" و تمرین رعایت حقوق بشر در حوزه‌های اجتماعی.

تمرین رعایت حقوق بشر در مقیاس خانواده و تبدیل نظام عمودی قدرت به نظام افقی در این پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی.

س: نظر شما در مورد این اصطلاح چیست: "نان شب یا حقوق بشر"؟!

ج: اگر نخواهیم به طور رمانتیک شعار بدهیم باید بگوییم ه "نان شب" اولین "حق بشر" است و تمامی کسانی هم که در ایدئولوژی و اندیشه، انسان را به "آزادی" تعریف کرده‌اند، در استراتژی نخست به "نان" و تضمین حیات او پرداخته‌اند. "ابرام مزلو" روانشناس معروف، مجموعه نیازهای بشر را به طور

سلسله مراتبی دسته بندی کرده است. وی اولین آنها را حفظ حیات و آخرین آنها را خود شکوفایی انسان می داند. در واقعیت اجتماعی نیز، به جز اقلیتی از انسان های آگاه و نخبه از یک سو و بزرگ و فداکار از سوی دیگر، اکثر آدمیان تا نیازهای اولیه زیستی شان تأمین نباشد به حقوق بعدی نمی اندیشند. "شریعتی" نیز در تعریف زندگی می گوید "زندگی یعنی نان، آزادی، فرهنگ، ایمان و دوست داشتن". او در این تعریف، زندگی را از "نان" آغاز می کند و تا "دوست داشتن" (که حتی آن را بالاتر از ایمان می نهد) پیش می برد.

بر این اساس است که بنده فکر می کنم راه دموکراسی و حقوق بشر در ایران قطعاً از "رفاه" اجتماعی و تأمین نیازهای اولیه زندگی (در حدی متوسط) می گذرد. اما "رفاه" نسبی شرط لازم است نه شرط کافی. بدین ترتیب هر فرد و یا قدرت و دولتی که بتواند مقداری به جامعه رفاه بدهد و یا تا حدی از قدرت فراگیر و مطلقه دیرپای حکومت و دولت در ایران، به نفع حوزه مدنی، بکاهد، بزرگ ترین خدمت را به تحقق دموکراسی و حقوق بشر و هموار کردن راه توسعه همه جانبه و انسانی در ایران، خواهد کرد.

سیاسگزارم از اینکه وقت تان را در اختیار ما گذاشتید.